شرط موافقت با مصحف عثمان در قرائت و استدراک ابن جزری

من این نکته را هم عرض بکنم. ابن جزری به کلاس آمد و گفت اعتبار قرائات به سه چیز است. موافقت عربیت، موافقت مصحف ولو احتمالاً، تواتر ای صحت سند. موافقت مصحف را ببینید؛ در مقدمه النشر؛ ایشان می‌گوید قرائت معتبر، قرائتی است که باید با مصحف موافق باشد. خب حالا «مالک» که در آن نیست؟ ای «وتوکل/ فتوکل» و امثال اینها که در این کتاب چهل و چهار مورد آورده‌اند. او می‌گوید «موافقة المصحف ولو احد المصاحف». یعنی مصاحف عثمان که با هم اختلاف دارند، اگر قرائت با یکی از آن‌ها موافق باشد کافی است و آن معتبر است. این را اول می‌گوید.

بعد می‌گوید «ولو احتمالاً». یعنی قرائتی است که با رسم مصحف تحقیقا موافق نیست. مثل «مالک». اما «ملک» تاب این را دارد؛ یحتمل که قاری «مالک» بخواند، و او هم «مالک» بخواند. کما اینکه الآن در تمام رسم‌الخط های عثمان طه، «ملک» نوشته اند. به‌خاطر اینکه همان ها را حفظ کرده است. ولی یک الف کوچک می‌گذارد که شما «مالک» بخوانی. اما همین نسخه الجزائر که قرائت ورش است، نوشته «ملک». در آن جا می‌گوید یک الف کوچک بگذارید و «مالک» بخوانید؛ یحتمله.

ابن جزری جلو آمده؛ جایی هست که لایحتمله. یعنی دیگر نمی‌شود گفت که موافق احد المصاحف هست ولو احتمالاً. آن جا کجا است؟ جایی است که قرائت در حرف با هم تفاوت کنند. یکی از آن‌ها همین است که الآن داشتم خدمت شما می‌گفتم. «و ما هو علی الغیب بضنین»، تمام مصاحف عثمانی به «ضاد» است. این سه قاری از قراء سبعه چه کاره بودند که کلام خدا را «ظاء» بکنند؟! می‌گوید شیخ من به این صورت خوانده. من سند دارم. ابن جزری که به اینجا می‌رسد چه کار می‌کند؟ جالب است؛ در اینجا زرنگی خاصی را به خرج داده است. می‌گوید «لله درّ الامام الشافعی»؛ کلامی از شافعی می‌آورد و می‌گوید که این‌ها چقدر زحمت کشیده‌اند، بعد می‌گوید «قلت: فانظر اولا کیف کتب الصراط، الصراط». ببینید به چیزی منتقل شد که احتمالاً هم معنا ندارد. «الصراط» را با «ص» نوشته اند ولی برخی از قراء سبعه به «س» خوانده‌اند. خب چه کاره بودند که «ص» را «س» کنند؟! لذا این از جاهایی است که «لایحتمله المصحف ولو احتمالاً». چرا؟ چون بناء دو تا است. در «ص» و «س» که دیگر احتمال الف نیست. اینجا شروع می‌کنند و می‌گویند این از نبوغشان بود! تا به جای دیگری می‌رسد که حتی از قبیل «صاد» و «س» نیست، می‌گوید به شما بگویم..؛ مطلب بسیار یادداشت کردنی است. می‌گوید:

> عَلَى أَنَّ مُخَالِفَ رَسْمِ الْمُصْحَفِ فِي حَرْفٍ مُعَيَّنٍ أَوْ مُبْدِلَ أَوْ مُثْبِتَ أَوْ مُحَوِّفَ أَوْ نَحْوَ ذَلِكَ لَا يُعَدُّ مُخَالِفًا إِذَا ثَبَتَ الْقِرَاءَةُ بِهِ وَوَرَدَتْ مَشْهُورَةً مُسْتَفَاضَةً[1]

«**علی ان**»؛ به اینجا ختم می‌کند که مطلب درست و محض الحق است. می‌گوید: «**علی ان مخالف صریح الرسم**»؛ درجایی‌که مخالف صریح رسم المصحف است، «**إذا ثبتت القراءة بوجود مشهورة مستفاضة**»؛ می‌گوید قرآن کلام خدا است، اگر به‌صورت مشهور و متواتر به ما رسیده که حضرت این را خوانده‌اند، مخالف مصحف هم باشد، مشکلی نیست. احتمالاً هم تاب آن را ندارد، نداشته باشد. کما اینکه در قراءت سبعه فراوان هست. یکی از آن‌ها همین بود که از زمخشری می‌خواندم. زمخشری با چه تصریحی گفت که «قرأ به رسول الله». دیگر بالاتر از این؟! گفت فرقش هم روشن است و هیچ کسی نمی‌تواند ادعای آن را بکند؛ «**واختلاف بين جبلين من جبال العلم والقراءة**»؛ گروه‌های مهمی از مسلمین عده‌ای «ضاد» خوانده‌اند که موافق رسم است، عده‌ای «ظاء» خوانده‌اند که در هیچ مصحفی نیست. این‌ها را که نمی‌توانیم کنار بگذاریم.

---

[1] النشر في القراءات العشر ج ۱ ص ۱۲

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 08:29:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 ژوئن 2024 14:39:52 توسط ... .